

— در اروپا.

— در آنجا خیلی مانده‌اید؟

— نه آنقدر.

— این مرض «سرسام سیاسی» است، آب و هوای اروپا با حال شما موافق نیست، کسانی که شما را صدا کرده و خود را معرفی نموده‌اند بازیگرهای ماهری هستند که با انواع حيله و دسيسه مردم را فریب داده می‌خواهند بمقاصد نامشروع خود برسند، این میکروبها بسیار موخش و خطرناکند، علاج شما منحصر باین است که با قطعه اروپا قطع علاقه کرده با این طلبکاران منافق طماع روبرو نشوید و اگر ممکن باشد بممالک دیگر عزیمت نمائید.

### اهمیت جنگ

شوربشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اثبات رجحان جنگ درازمنه ناسلفه بدلیل وبرهان محتاج نیست. این مسئله در صفحات تاریخ قید شده است، چیزی که از توضیح محروم مانده و از پرده ابهام بیرون نیامده تحقیق اسباب موجه این رجحان است، مورخین وفلاصفه همه بایضاح این مبحث اقدام کرده‌اند اما توضیحات را باقتضای حوادث و شرارت طبیعت انسان و اراده الهی معطوف ساخته‌اند.

ما برای اینکه مرتباً حرکت نعائم جنگ را به «تغلب» و «محرابه» سیاسی قسمت میکنیم.

تغلب یا استیلا... تشبثات اقوام برای تشکیلات تازه، انتقال آنها

برای سکونت در اراضی جدید، این را استیلا نامیده‌ایم. همه میدانند در قرون گذشته این نوع مسافرتها و صحرانوردیها چقدر کثیرالوقوع بودند، تعیین اسبابی که مدتها این اوضاع را ادامه دادند اشکالی ندارد، در زمان قدیم طوایفی که زمینهای وسیع کم جمعیت یا غیرمسکون پیدا میکردند بدون اینکه با مملک فعلیه خود پردازند با اراضی مکشوفه می‌شناختند، آبادی زمین متدرجاً باین وتیره از قوه بفعل می‌آمد، بعد از آنکه عمارت اراضی صورت میگرفت باز قاعده استیلا در همین نقاط مجری میگشت، قبایل چادر نشین بصورتی غیر مفید در مزارع کار میکردند، این قبایله‌ها یا در حال توطن یا در آغاز بدات بودند، منازل آنها عبارت بود از چادرها و آلاچیقها و کلبه‌های محقر ابتدائی، همینکه یکی از همسایگان میخواست بزمین آنها داخل شود، فوراً گله و رومه را جلو انداخته، خانه‌ها را بدوش گرفته جای خود را عوض میکردند. همانطور که امواج در سطح دریا شناورند گروه پیشمان انسانها نیز در عرصه خاک در هجرت و تکابو بودند. امروز این کارها پایان رسیده‌اند و اکثر اقوام در ممالک مختلفه سکونت نموده تحکم حکومتی بیگانه را بر مهاجرتهاى عمومی مرجح دانسته‌اند. نژادهای دیگر که هنوز در وحشیت باقی هستند بواسطه قوای مسلحه دولتهائی که بر آنها احاطه دارند در زادوبوم خود از هرگونه اقدام عاجزند. هر چند بشریت از پنجه جنگهای دوره توحش رهائی یافته، لکن انکار نتوان نمود که از اثر این محاربات چه در دمای درمان ناپذیر را منحل شده‌است.

مخاربهٔ سیاسی — عالم اجتماع انسانی تا کنون از شئامت این نوع جنگ خلاص نشده است، اندک نظری بمندرجات تاریخ میتواند کیفیات حالیهٔ آن را بما بفهماند. بزرگترین سیل استیلا که نواحی خالی کره را پر کرده از شرق و از آسیا برخاسته است، این قسمت مهمترین مرکز علف زارها و چراگاههای روی زمین است، سکنهٔ این صحراها چنانکه گفته شد بزراعت ابتدائی و حرقت شبانی آشنا بودند. بواسطهٔ کسب و ارتزاق، فکر استناد بهیئت جامعه در قلوب آنها جایگیر شد. کوچیدن و بیابان گردی را ترک نموده بطور قطعی در بنگاه خود اقامت کردند.

از مبادی تاریخ، تاسیس حکومتهای مقتدر آسیا در مصر و آنور و ایران مشاهده میکنیم. از اوصاف بجزهٔ این جمعیتها یکی این بود که قوای عمومیهٔ آنها يك ماهیت مستولی مطلق را دارا بودند، سلاطین مانند مشایخ عشایر اولیه بر زیر دستان خود حکمرانی داشتند، از قوهٔ تشبیه شخصی و فردی اثری در آنان مشهود نمیگردید.

در قرن پنجم و قرون بعد از آن اکثر برابره که بر اروپا مسلط شدند از آسیا ایلغار نموده وضعیات اجتماعیهٔ خود را بقطعهٔ اروپا داخل کردند. ژرمنها، کوتها، ویزیکوتها، استروگوتها، ژپیدها، بورگوتها، لومبارها سوئدنها، المانها، سوآبها، هونها، اسلاوها، عربها، مغولها، تاتارها و ترکها از این جمله اند.

طوائف مذکوره حکومتهایی مطابق نمونه هائی که در آسیا داشتند ایجاد کردند. یعنی حاکمیت مطلقه و مستبده را بر قرار

ساختند . از این نقطه نظر ، در ممالک مرکزی و جنوبی اروپا  
اوضاع حکومت‌های مطلقه آسیا و امپراطوری رم دوام یافتند .  
اکنون میتوانیم ملنفت بشویم که اصول سیاست جنگ را چگونه  
تولید کرده است . هیچ چیز مثل « اتساع قوای عمومی » بازدیاد  
محاربه خدمت نمیکند ، این حادثه از سه سبب بوجود میاید :

۱ — حکومتها وسایط کامله برای جنگیدن دارند ، همه چیز  
بیش یا کم مال آنان و مطیع امر و اراده ایشان است . سپاهیان  
بسیار ، اردوهای آماده ، مامورین ممتحن حاضر کرده اند .  
قشون بمناسبت حال خود جویای جنگ است ، همیشه میخواهد  
پادشاه یا رئیس حکومت را بنسبت فتوحات او تمجید نماید و هیچ  
وقت امر صلح را تامین نمیکند .

۲ — جنگ غالباً وسیله ایست برای ربودن املاک مدعی ، یا  
بهانه ایست برای تدبیر رقیب مخاصم . همه محاربات که از  
دعاوی نژادی ، از کشاکش سلاله ها و خانواده ها ، از حرص  
فزونی و برتری ظاهر شده اند ، از این کانون فتنه برخاسته  
با تیرگی مظالم خویش فضای عالم را تاریک کرده اند . بدست  
آوردن قوه که شخص را بانجام دلخواه مقتدر سازد چه چیز  
پسندیده خوش آیندی است ! اما این قدرت را پس از تحصیل  
باید نگاهداری نمود ، اقتداری که محیط آن اینقدر بزرگ است ،  
بنام عامه مردم فکر می کند ، حرف میزند ، حرکت مینماید ،  
با منافع بسیاری از مردم مصادمه دارد ، محافظت این قوه کاری  
است دشوار . حکومتها از مخاطرات این بارگران ایمن نیستند .

در این هنگام برای اینکه افکار مردم را از مشکلات داخلی منصرف نمایند چهره مشغوم جنگ را با تابع خود نشان میدهند. اگر این پادشاهان جنگجوی مغلوب و از موقع اقتدار دور شوند، کسانی که متعاقب آنان میسایند با همان اشکال و ترتیبات بجانب محاربه عطف عنان میکنند. این حکومتها بقدری با طبیعت و مناسبات حوادث مخالفند که پایداری آنها امکان پذیر نیست. پس از آنکه مؤسسين درگذشتند تأسیسات آنها روی بخرابی میگذارند، مع هذا آتش جنگ همیشه در کار اشتعال است.

۳- این حکومتها بر وفق صلاح و آرزوی مملکت از جنگ باز نمی ایستند و انسان بسمی و عمل محتاج است و حرب مساعی جمعیت را تباه میکنند، اما در این جمعیتها حسیات عمومی بصعوبت دیده میشوند، مردم این ممالک بر سه قسمند: اولاً مامورین که راتبه خوار حکومتند و معاش آنان به بودجه متعلق است، حکومتهای مطلقه از استخفاف اردوی مامورین فرمانبردار ناگریزند و گرنه بنگاهداری وضعیت موفق نمیشوند. ثانیاً سیاست مداران، اینها نیز از حد شمار بیروند و میخواهند از خوان افضال حکومت متنعم بوده و در پرتو لطف آن زندگانی کنند. ثالثاً عوام گمنام که ثروت مملکت را استخراج نموده مالیات را میپردازند. این طبقه برای پیدا کردن و دادن آرزو مند صلح و مسالمتند. اکثریت با اینهاست و اگر بخواهند میتوانند حکومت را از جنگ باز دارند، اما حکومت با تدابیر جابرانه خود تأثیر اجتماعی را از این جمعیتها سلب کرده است، همانطور که

نفر چهار سال ، ۵۰۰۰ نفر نه سال ، ۲۷۵۰۰۰۰ نفر چهارده سال  
 بیشتر ندارند!

### اسباب طول عمر - ادیسون مخترع معروف بحیات ابدی

معتقد نیست و با اعتمادی که بیک قرن و نیم عمر دارد بقطع این  
 مرحله طولانی مصمم شده است ، میگوید : « من از هر کس  
 بیشتر کار و فکر میکنم ، این قوه از خواب و خوراک و لباس  
 حاصل میشود ، اشخاصی که وقت خواب راحت نیستند و ب فکر  
 و خیال گرفتارند برای این است که کم ورزش میکنند ، بسیار  
 غذا میخورند و با اصطلاح دیک بدن را از زیادی آتش میسوزانند ،  
 من بمقدار طعامی که برای پرورش بدن لازم است اکتفا میکنم  
 و باین سبب تا سر بیالین میگذارم خوابم میبرد ، من همیشه شش  
 ساعت در خوابگاه مانده تمام این مدت را راحت بوده هرگز  
 خواب ندیده ام . هشتاد و پنجسال از عمر من گذشته و هیچ  
 وقت بهتر از امروز کار نکرده ام ، کناره گیری از کار یعنی چه؟  
 من از دوازده سالگی در کارم و امیدوارم اشغال خود را تا  
 هفتاد سال دیگر ادامه بدهم ، بهشت من در روی زمین است ،  
 نیمتنه و پیراهن و شلوار و کفش من دو دفعه از اندازه معمول  
 گشادتر است ، آورده و شرایین من در کمال آزادی کار میکنند  
 و هرگز فشار نمی بینند ، میکروبها در خون من میمیرند و به  
 ایجاد امراض قدرت ندارند ، جز جویدن توتون عادت مذموم  
 دیگری در من نیست ، زانم سابقاً برای این کار مرا ملامت میکرد ،